

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶

**پیامد اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی
زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح حضرت زینب کبری (س)
در روستاهای بویین زهرا**

مهدی طالب، زهره نجفی اصل*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۱۲/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۷/۲

چکیده

افزایش مهاجرت مردان روستایی به شهرها و مراکز صنعتی، لزوم مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی را نمایان‌تر می‌سازد. با این همه، زنانی نیز هستند که از امکاناتی محدودتر برخوردارند، زیرا یا سرپرست مرد خانوار را از دست داده‌اند و یا از حمایت آنها به دلایل مختلف بی‌بهره‌اند، و با فقر دست به گریبان‌اند. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای از بین بردن فقر زنان، توانمندسازی آنهاست که راهی برای هدایت زنان به سوی فعالیت‌های تولیدی و درآمدزاست. در زمینه گسترش اعتبارات خرد به مناطق روستایی، سه دیدگاه کلی: بازارگرا، دولت‌گرا، و جامعه‌گرا مطرح شده است. در ایران، بانک کشاورزی طرحی را به نام «حضرت زینب کبری (س)» برای زنان سرپرست خانوار روستایی به مرحله اجرا در آورده است. مقاله حاضر به تجزیه و تحلیل پیامد پرداخت اعتبارات خرد بانک کشاورزی در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی فعال در بخش دامداری در روستاهای

* به ترتیب: استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و کارشناس ارشد مدیریت توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

کلیدواژه‌ها: اعتبارات خرد روستایی/ توانمندسازی اقتصادی/ زنان سرپرست خانوار/ حضرت زینب (طرح)/ بوبین زهرا (روستاها)

* * *

مقدمه

در دنیای کنونی، با توجه به ساختار نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و تسلط بهره‌برداری خانوادگی که بخش عمده نیروی کار آن را زنان تشکیل می‌دهند، دستیابی به اهداف توسعه بدون در نظر گرفتن قشر زنان امکان‌پذیر نیست؛ چرا که در مناطق روستایی، زنان در تولید محصولات کشاورزی از نقشی عمده برخوردارند. البته در این قشر نیز زنانی وجود دارند که سرپرست مرد خانوار خود را به دلایل مختلف (فوت، از کار افتادگی، اعتیاد، حبس، مهاجرت، و...) از دست داده‌اند؛ و از این‌رو، نقش و مسئولیت آنها در خانوار مضاعف شده است.

از آنجا که توسعه مفهومی کیفی و چندبعدی است که هدف عمده آن کاهش فقر و بیکاری و توزیع مناسب ثروت و درآمد به‌شمار می‌رود، و گروه‌های مختلف جامعه را مدنظر قرار می‌دهد، در راه رسیدن به توسعه، باید همه افراد و حتی فقرا مشارکت داشته باشند. اما نکته درخور توجه آن است که چگونه فقرا می‌توانند در توسعه مشارکت کنند. این مسئله به‌ویژه در مورد زنان سرپرست خانوار روستایی، که از امکانات اجتماعی محدودتری برخوردارند، بسیار قابل توجه است.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای رفع موانع مشارکت عملی زنان در توسعه اتخاذ شده است؛ توانمندسازی زنان یکی از همین راهبردهاست که تنها به مفهوم بهره‌مندی زنان از مزایا و نتایج برنامه‌های توسعه نیست، بلکه مستلزم مشارکت فعال آنها در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه است. از این‌رو، در پرداخت

از این رو، بانک کشاورزی طرح «حضرت زینب کبری(س)» را در روستاهای کشور از ۱۳۷۳ به مرحله اجرا گذاشته است (گزارش عملکرد دهساله طرح حضرت زینب کبری(س)، ۱۳۸۴، ۶). در اینجا، عملکرد این طرح در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در روستاهای زیر پوشش آن در شهرستان بویین زهرا بررسی می‌شود.

نقش اعتبارات خرد در کاهش فقر و توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار

در آغاز هزاره سوم، یکی از رویکردهای مهم برای رفع فقر و توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی نقش اعتبارات خرد است که بر اساس آن، توجه به زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال روستاها و قشر بسیار مؤثر در توسعه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

اعتبارات خرد در کاهش فقر به‌ویژه به دو دلیل اهمیت دارند؛ یکی آنکه معمولاً اعتبارات بانکی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلف نصیب افراد فقیر نمی‌شود؛ و دیگر آنکه به عقیده بادوری^(۱)، رائو^(۲)، باردهان^(۳)، و گات^(۴) و همکاران، عواملی مثل وجود قدرت‌های انحصاری و یا بالا بودن نرخ بهره باعث شده است که منابع مالی غیررسمی نیز نتوانند اعتبارات لازم را در اختیار قشر فقیر جامعه

مبانی نظری پژوهش

اعتبارات خرد از مباحث عمده در اقتصاد نئولیبرال است که پس از تغییراتی در نظریه‌های اقتصادی و دیدگاه‌های توسعه به مثابه محرک اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای گرفتار مشکلات تورم و بیکاری فزاینده و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد، کلید حل معما به‌شمار می‌رود. به‌دنبال شکست‌های اقتصادی و ناکامی در کاهش فقر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، کارگزاری‌ها و سازمان‌های بزرگ اعطاکننده وام - مانند USAID, ODA، بانک جهانی و

از زمان گسترش عرضه اعتبارات به مناطق روستایی تاکنون، دیدگاه‌هایی متفاوت در این زمینه وجود داشته است. وجه اشتراک تمامی آنها این است که عرضه اعتبار در کاهش فقر خانوارهای روستایی نقشی مهم دارد. در هر کدام از این دیدگاه‌ها، برای عرضه اعتبارات و سایر خدمات مالی به مناطق روستایی، سازوکارهایی متفاوت برگزیده شده است. این دیدگاه‌ها را می‌توان به سه عنوان کلی «دیدگاه بازارگرا»، «دیدگاه دولت‌گرا»، و «دیدگاه جامعه‌گرا» تقسیم‌بندی کرد (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۴).

دیدگاه بازارگرا

بازارگرایان معتقدند که بازار مالی شباهت‌های زیادی به بازار رقابت کامل دارد؛ و روستاییان کم‌درآمد و واحدهای کوچک مقیاس می‌توانند مانند سایر واحدها با مراجعه بدان نیازهای خود را برطرف کنند. اما اشکال کار اینجاست که دولت با مداخله در این بازار تعادل را از میان می‌برد و روستاییان به همین دلیل نمی‌توانند تمام نیازهای خود را تأمین کنند. بهترین اقدامی که دولت می‌تواند انجام دهد، کاهش مداخله و نظارت و هدایت بازار و رفع موانع و محدودیت‌هایی است که بازار با آنها مواجه است. طرفداران مکتب «اوهایو» از مهم‌ترین گروه‌هایی به‌شمار می‌روند که سازوکار بازار و کاهش مداخله دولت را تنها راه مؤثر برای افزایش دسترسی روستاییان فقیر به خدمات مالی می‌دانند. پیام اصلی مکتب اوهایو عبارت است از «برتری بخش خصوصی و سازوکار بازار بر دولت و مداخله‌های آن» (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۴، ۵۷ و ۵۸).

نقد دیدگاه بازارگرا

منتقدان نظام بازار معتقدند که سازوکار بازار به‌تنهایی پاسخ‌گوی تمام مشکلات نیست؛ و بنا به دلایل زیر، لازم است که در بازار مالی روستایی مداخله شود:

توزیع منابع و امکانات در بازارهای مالی روستایی ناعادلانه است. حتی اگر بپذیریم که در بازار، شرط کارآیی^(۵) وجود دارد، عدالت اجتماعی^(۶) ایجاب می‌کند که مداخله در بازارهای مالی انجام گیرد، چرا که در این بازار توزیع منابع و امکانات به نحوی است که تمام امکانات در اختیار گروهی خاص قرار گیرد (معظمی، ۱۳۷۷: ۵۸).

دیدگاه دولت‌گرا

در روش مداخله متمرکز، دولت نقش اصلی را بر عهده دارد و با وضع قوانین مختلف سعی می‌کند تا عرضه اعتبارات به مناطق روستایی افزایش یابد. اغلب برای هدایت منابع از بانک‌های تخصصی کشاورزی استفاده می‌شود. در روش دولت‌گرا، مهم‌ترین ابزارهایی که استفاده می‌شود، پرداخت یارانه به نهادهای مالی برای کاهش نرخ بهره، و نظارت و تضمین وام‌هاست.

پرداخت یارانه به نهادهای مالی برای کاهش نرخ بهره از مهم‌ترین مداخله‌ها در بازارهای مالی روستایی است. تضمین وام‌ها هم از دیگر ابزارهای مهم مداخله است، چرا که یکی از مشکلات روستاییان کم‌درآمد نداشتن وثیقه و ضامن است که به همین خاطر، بانک‌های تجاری برای پرداخت وام به آنها رغبتی ندارند. برای حل این مشکل، خود دولت ضمانت وام‌هایی را به عهده می‌گیرد که به گروه‌های کم‌درآمد پرداخت می‌شوند. این ابزار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کارآیی دارد که از آن جمله می‌توان به مکزیک، کاستاریکا، و نیجریه اشاره کرد. با این کار، بخشی از مخاطره عدم بازپرداخت وام‌ها متوجه دولت می‌شود (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۲).

به نظر منیراج^(۷)، وام‌های نظارت‌شده از دیگر ابزارهای مهم مداخله است. هدف اصلی از اعمال چنین نظارتی اطمینان از مصارف تولیدی وام‌هاست. نظارت از زمان توزیع اعتبارات آغاز می‌شود و تا مرحله وصول وام‌ها ادامه می‌یابد. یکی از فایده‌های نظام نظارتی امکان آموزش کشاورزان و خانوارهای آنهاست (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۳).

از دهه ۱۹۵۰، دولت‌ها و کمک‌کنندگان بین‌المللی در زمینه پرداخت اعتبارات به کشاورزان خرده‌پا در نواحی روستایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به پرداخت یارانه اقدام کردند. فرض بر این بود که فقرا در دستیابی به حجم مناسب اعتبارات مشکلات زیادی دارند و رباخواران انحصارگرا بهره‌هایی هنگفت بر آنها تحمیل می‌کنند. نهادهای تأمین مالی ویژه توسعه، مانند بانک‌های توسعه کشاورزی، مسئول دادن اعتبار ارزان به کشاورزان فقیر شدند. این نهادها تلاش می‌کردند تا بر موارد استفاده از وام‌ها نظارت کنند و جدول زمانی بازپرداخت‌ها بر جریان درآمد قابل انتظار حاصل از سرمایه‌گذاری مبتنی بود. اغلب اوقات میزان سود بیش از حد برآورد می‌شد. برای مثال، محاسبات بر مبنای بازده کشاورزی در سال‌های پرمحصول انجام می‌گرفت (Adams and Von Pischke, 1992). در نتیجه، وام‌ها غالباً بازپرداخت نمی‌شدند؛ و از آنجا که پول‌های دولت برای چشم‌پوشی از وام‌های بازپرداخت‌نشده و از موعد گذشته به مصرف می‌رسید، اعتبار و کارآمدی مالی این طرح‌واره‌های اعطای اعتبارات یارانه‌دار بیش از پیش تضعیف شد (جانسون و روگالی، ۱۳۸۳: ۷). بسیاری از این نهادهای تأمین مالی ویژه توسعه، بر اثر وابستگی به امیال متزلزل دولت‌ها و کمک‌کنندگان همراه با ضعف در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و پایین بودن نرخ‌های بازپرداخت، نتوانستند طرح‌های وام‌دهی خود را پایدار نگه دارند؛ و از این‌رو، تأمین اعتبار برای فقرا موقت و محدود بود.

در زیرمجموعه دیدگاه دولت‌گرا، می‌توان پارادایم‌های خودپایداری مالی^(۸) (نهادگرایان)، فقرزدایی^(۹) (افزایش رفاه)، و توانمندسازی فمینیستی^(۱۰) را یادآور شد؛ که در پی، به اختصار به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

پارادایم خودپایداری مالی

در این پارادایم، اعتقاد بر این است که کوچک‌سازی و کمک به بنگاه‌های کوچک اقتصادی و تولید کشاورزی به توانمندسازی اقتصادی افراد کمک کرده، به افزایش

به طور کلی، بحث نظری در زمینه اهمیت دسترسی زنان به منابع و هم‌زمان شدن این بحث‌ها با دهه سازمان ملل برای کاهش فقر در جهان سبب شد که صاحب‌نظران، دو رهیافت کارآفرینی و حمایتی را برای توانمندسازی زنان ارائه دهند. در برخی کشورهای غالباً پیشرفته، بر رهیافت کارآفرینی و در برخی کشورهای اغلب در حال توسعه، بر رهیافت حمایتی تأکید شده است.

- رهیافت کارآفرینی: در این رهیافت، دسترسی به اعتبار برای زنان دارای توان کارآفرینی امکان‌پذیر می‌شود. ایجاد اشتغال برای خود یا فرصت‌های شغلی برای دیگران و نیز درآمدزایی از اهداف این رهیافت است. زنانی که بدین ترتیب به اعتبار دسترسی می‌یابند، به فعالان اقتصادی در بخش خصوصی اضافه می‌شوند؛ البته این زنان لزوماً فقیر نیستند. بنابراین، دسترسی زنان کارآفرین به اعتبارات در صورتی می‌تواند در توسعه توانمندسازی زنان نقشی داشته باشد که توزیع اعتبارات جزیی از برنامه جامع حمایت از بخش کارآفرینی خرد در اقتصاد تلقی شود.
- رهیافت حمایتی: در این رهیافت، که سازمان ملل مطرح کرده است، دسترسی به اعتبار لزوماً به معنای کار مولد نیست؛ و امکان دسترسی زنان به اعتبار با هدف کاهش فقر و تأمین حداقل‌ها در حدی فراهم می‌شود که زنان فقیر توان بازپرداخت آن را داشته باشند (دیپیم و وهابی، ۱۳۸۲: ۶۸).

پارادایم فقرزدایی

برخلاف پارادایم خودپایداری مالی، که راهبردی از سوی کارگزاری‌های بزرگ توسعه (مثل بانک جهانی) است، پارادایم فقرزدایی بیشتر از سوی سازمان‌های غیردولتی به کار رفته است. در این پارادایم، اعتبارات خرد به صورت برنامه توسعه یکپارچه در نظر گرفته می‌شود و کمک اصلی برای فقرزدایی و نهادینه شدن توسعه محلی پایدار است. گروه‌های هدف این پارادایم مردان و زنان و کودکان فقیرند؛ و سهم اعتبارات خرد در توانمندسازی عبارت است از افزایش رفاه خانوار و سازمان‌دهی گروهی برای فعالیت در توسعه محلی (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

پارادایم توانمندسازی فمینیستی

این پارادایم نیز بیشتر از سوی فمینیست‌های سازمان‌ها و کارگزاری‌های کمک‌کننده و سازمان‌های غیردولتی اتخاذ می‌شود. در این پارادایم، اعتبارات خرد به‌ویژه در توانمندسازی زنان فقیر عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح فرد و خانواده (تربیت صحیح کودکان، نگهداری و سرپرستی از آنها، مدیریت داخلی خانوار، و...) و چه در سطح کلان (کار در مزارع و صنایع روستایی و...)، عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌روند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴: ۲۰۸؛ به نقل از: Mayoux, 1999: 959).

نقد دیدگاه دولت‌گرا

از جمله انتقادهای مهم وارد بر این دیدگاه به پرداخت یارانه به‌ویژه یارانه مستقیم مربوط می‌شود. منتقدان بر این باورند که تخصیص منابع مالی مبنای اقتصادی ندارد بلکه مبنای آن سیاسی است؛ و بهره‌مندی افراد دارای قدرت و نفوذ سیاسی بیشتر در زمینه وام‌های با نرخ بهره کم بیش از دیگران است. منتقدان پیشنهاد می‌کنند که نرخ بهره بازاری ملاک کار باشد، و در این شرایط است که تخصیص منابع کارایی پیدا می‌کند. به عقیده منتقدان دیدگاه متمرکز، نیازی به نظارت نیست؛ و خود کشاورزان و

دیدگاه جامعه‌گرا

تشویق مشارکت مردمی و ساختار تصمیم‌گیری غیرمتمرکز از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش جامعه‌گراست. جذب پس‌انداز روستاییان یکی دیگر از مهم‌ترین پایه‌های این روش است. در این روش، فرضیه‌ای است مبنی بر آنکه افراد کم‌درآمد پس‌انداز دارند اما بیشتر ترجیح می‌دهند که پس‌اندازهای خود را به صورت غیرنقدی نگهداری کنند؛ و محدودیت‌های نگهداری پس‌انداز به شکل غیرنقدی موجب شده است که در بسیاری از مناطق روستایی، به دنبال ایجاد تسهیلات مالی با شرایط مناسب برای جذب پس‌انداز و سپرده‌ها، بی‌درنگ روستاییان به پس‌انداز بپردازند.

در روش جامعه‌گرا، سعی می‌شود که از شیوه‌های جدید و ابتکاری برای توزیع وام‌ها استفاده شود. از این رو، به جای مراجعه و ام‌گیرنده به نهاد مالی - که در روش‌های سنتی متداول است - وام‌دهندگان با ایجاد و تقویت سازمان‌ها و نهادهای مالی به روستا می‌روند و وام را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند؛ و بازپرداخت وام‌ها نیز به شکل قسط‌های کوچک و هفتگی صورت می‌گیرد تا مشکلی برای روستاییان ایجاد نشود (معظمی، ۱۳۷۷: ۶۸).

تحقیقات مایو^(۱۱)، راست^(۱۲)، و لطیفی^(۱۳)، در آفریقای جنوبی در ارتباط با اعتبارات خرد، فقرزدایی، و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهایمانند کامرون، اتیوپی، بوتسوانا، و کنیا، و نیز در آسیای جنوب شرقی به‌ویژه در بنگلادش (بانک گرامین) و هند، حاکی از آن است که اعتبارات خرد با فقرزدایی دارای همبستگی مثبت است؛ و در نتیجه، میان اعتبارات خرد و توانمندسازی انسانی (مهارت‌ها، دانش، توانایی انجام کار، بهداشت مناسب، استقلال و ابتکار عمل در تصمیم‌گیری)، اقتصادی (میزان درآمد،

آشنایی با طرح حضرت زینب کبری(س)

بدون شک واگذاری تسهیلات برای دسترسی به اشتغال پایدار با شرایط آسان و در زمان محدود از مهم‌ترین راهکارهای حمایت از زنان سرپرست خانوار است؛ زیرا در کنار تأمین مستمر نیازهای زنان، عزت نفس آنها خدشه دار نمی‌شود. در حال حاضر، این رهیافت در بسیاری از کشورها، به کار گرفته شده و نتایجی مثبت به همراه داشته است.

بانک کشاورزی، که از دیرباز با هدف توانمندسازی روستاییان و تأمین مالی آنها فعالیت می‌کند، پس از گزینش رویکرد جدید تأمین مالی، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار روستایی را نیز سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده است. از این رو، از سال ۱۳۷۳، طرح حضرت زینب کبری(س) با هدف حمایت از زنان سرپرست خانوار روستایی در بانک کشاورزی اجرا شده است.

ویژگی‌ها

- ۱- اعتبار اعطایی با کمترین هزینه (قرض الحسنه) و بسیار آسان در اختیار واجدان شرایط قرار می‌گیرد؛
- ۲- تضمین اعتبار با تعهد خود زنان واجد شرایط روستایی و یا با تضمین سایر دریافت‌کنندگان اعتبار در روستا قابل پرداخت است؛
- ۳- برای استفاده از این اعتبار، نیازی به وثیقه نیست؛
- ۴- با توجه به نوع تولیدات و موعد فروش، زمان بازپرداخت تسهیلات اعطایی تا ۵ سال است (سلطان‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۲۷)؛
- ۵- استفاده از همکاری نهادها و مسئولان روستایی؛

- ۶- گستردگی شعبه‌های بانک کشاورزی و دسترسی آسان زنان سرپرست خانوار بدین شعب؛
- ۷- کاهش تشریفات اداری برای تصویب و پرداخت تسهیلات (مراجعه کمتر متقاضی به بانک)؛
- ۸- عدم محدودیت در مصرف تسهیلات؛ متقاضی می‌تواند برای هر نوع فعالیت مجاز و توجیه‌پذیر در روستا، از بانک درخواست تسهیلات کند؛ و
- ۹- پذیرش محل معرفی شده از سوی وام‌گیرنده برای اجرای طرح، بدون توجه به اسناد مالکیت آن؛ در این نوع طرح‌ها، به داشتن مالکیت یا اجاره رسمی محل نیازی نیست؛ و هر نوع تصرفی که در محل مورد تأیید معتمدان روستا باشد، از سوی بانک پذیرفته می‌شود (عرب‌مازار و سعدی، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۷).

اهداف اجرا

اهداف کلی طرح حضرت زینب کبری (س) عبارت‌اند از:

- ۱- حرکت کلی برای فقرزدایی؛
- ۲- ایجاد امکان مشارکت بیشتر برای زنان روستایی؛
- ۳- ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای در بین زنان روستایی؛
- ۴- کاهش مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها از طریق ایجاد اشتغال مولد در روستاها؛
- ۵- معرفی فناوری‌های کوچک و مناسب اقتصادی در روستاها؛
- ۶- حرکت برای استفاده مطلوب از اعتبارات خرد؛
- ۷- دسترسی آسان زنان سرپرست خانوار روستایی به اعتبارات برای انجام فعالیت‌های تولیدی؛
- ۸- افزایش تولیدات در زمینه‌های گوناگون و کمک به ایجاد امنیت غذایی؛ و
- ۹- ارتقای موقعیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار روستایی و حفظ کرامت انسانی زن در عرصه فعالیت‌های اجتماعی (سلطان‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۲۷).

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی نقش و جایگاه اعتبارات خرد پرداختی طرح حضرت زینب کبری(س) در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در روستاهای بویین زهرا؛
- ۲- بررسی نحوه عملکرد طرح در ایجاد فرصت‌های شغلی؛
- ۳- کشف عوامل احتمالی بازدارنده برای دستیابی به اهداف مورد نظر طرح؛
- ۴- بررسی تأثیر سن و میزان تحصیلات زنان سرپرست خانوار در توانمندسازی اقتصادی آنها؛
- ۵- بررسی نقش تعداد افراد تحت تکفل (شاغل) زنان سرپرست خانوار در توانمندسازی اقتصادی آنها؛ و
- ۶- بررسی تأثیر نوع مصرف و مبلغ تسهیلات در توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی.

روش تحقیق

از آنجا که روش تحقیق بر مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام‌یافته برای بررسی واقعیت‌ها، کشف مجهولات، و دستیابی به راه‌حل مشکلات مبتنی است، در این پژوهش، سعی شده است که از روش اسنادی، آماری و کیفی استفاده شود. در بخش اسنادی تحقیق، از مدارک و اسناد موجود مربوط به زنان سرپرست خانوار در کمیته امداد امام خمینی شهرستان بویین زهرا (پرسشنامه‌ها) استفاده شد؛ از طریق برنامه SPSS، پردازش اطلاعات آماری صورت گرفت؛ و در بخش کیفی نیز از مشاهدات مشارکتی اعلام‌شده، مصاحبه با کارشناسان ذی‌ربط در کمیته امداد امام خمینی (ره) تهران، قزوین و بویین زهرا، بانک کشاورزی تهران و قزوین و جهاد کشاورزی تهران و زنان سرپرست خانوار ساکن در روستاهای شهرستان بویین زهرا بهره گرفته شده است.

جامعه آماری تحقیق

برای انتخاب جامعه مورد نظر از طریق آمار و ارقام منتشرشده در گزارش عملکرد ده‌ساله طرح «حضرت زینب کبری(س)»، تعداد زنان سرپرست خانوار در استان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت؛ و سرانجام، استان قزوین به دلیل نزدیکی نسبی به تهران انتخاب شد. استان قزوین دارای ۱۰ شاخه و ۲ منطقه است، که عبارت‌اند از: آوج، بویین‌زهره، تاکستان، طارم سفلی، رودبار الموت، آبگرم، آبیک، رودبار شهرستان، الوند، و اقبالیه؛ و نیز مناطق ۱ و ۲ قزوین. در این استان، فعالیت‌های مختلفی مانند دامداری، کشاورزی، خیاطی، قالی‌بافی، صنفی، و صنعتی انجام می‌شود که از آن میان دامداری بیشترین فراوانی را دارد؛ و انتخاب آن برای مطالعه نیز به همین دلیل صورت گرفت. همچنین، در میان مناطق و شاخه‌های یادشده، بیشترین فراوانی فعالیت دامداری به بویین‌زهره مربوط می‌شود و از این‌رو، شهرستان بویین‌زهره انتخاب شد که در آنجا، ۷۲ زن سرپرست خانوار روستایی به فعالیت دامداری مشغول بوده‌اند.

قلمرو زمانی تحقیق

طرح «حضرت زینب کبری(س)» از سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را آغاز کرد اما در سال‌های اولیه، اقدامات چشم‌گیری صورت نگرفت و در نتیجه، آمار چندانی از عملکرد آن در دست نیست؛ از این‌رو، قلمرو زمانی این تحقیق از ۱۳۷۹ تا پایان ۱۳۸۳ در نظر گرفته شده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها

در این تحقیق، از چهار ابزار عمده برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است، که عبارت‌اند از:

- ۱- بررسی (مراجعه) به مدارک و اسناد: الف- داده‌های موجود در اسناد و تحقیقات گذشته، ب- آمارهای رسمی، ج- مدارک و اسناد سازمانی؛ ۲- مشاهده؛ ۳- مصاحبه؛ و ۴- پرسشنامه.

جدول ۱- تعداد زنان سرپرست خانوار زیر پوشش طرح حضرت زینب کبری(س) در فعالیت‌های مختلف در استان قزوین

فعالیت	سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع
دامداری		۱۰	۵۳	۵۱	۴۳	۳۳	۱۹۰
کشاورزی		۲	۱۰	۱	۳	۱	۱۷
خیاطی		۷	۳	۲	-	-	۱۲
قالی‌بافی		۱	۳	۳	۶	۱	۱۴
صنعتی و صنعتی		-	۱۱	۷	۱۲	۳	۳۳
سایر		۱	-	-	۲	۳	۶
جمع		۲۱	۸۰	۶۴	۶۶	۴۱	۲۷۲

منبع: گزارش کمیته امداد امام خمینی (ره) قزوین

جدول ۲- تعداد زنان سرپرست خانوار زیر پوشش طرح زینب کبری(س) در فعالیت دامداری در شاخه‌های مختلف استان قزوین طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۹

شاخه (شهر)	سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	جمع
منطقه ۱		-	-	-	-	-	-
منطقه ۲		۲	۵	-	۱	۱	۹
بویین‌زهرا		۱۰	۱۱	۱۱	۲۲	۱۸	۷۲
تاکستان		۱	۹	۳	۱	۰	۱۴
آبیک		-	۵	-	-	-	۵
البرز		-	-	-	-	-	-
رودبار شهرستان		۵	۵	۲۷	-	-	۳۷
آوج		۱	۶	-	۹	۲	۱۸
آبگرم		-	۴	۱	۳	۳	۱۱
اقبالیه		-	-	-	-	-	-
طارم سفلی		-	-	-	-	-	-
جمع		۱۹	۴۵	۴۲	۳۶	۲۴	۱۶۶

منبع: گزارش کمیته امداد امام خمینی (ره) قزوین

گزاره‌های تحقیق

- ۱- بررسی رابطه میان تعداد افراد تحت تکفل زن سرپرست خانوار در روستاهای زیر پوشش طرح «حضرت زینب کبری (س)» در شهرستان بویین‌زهرا و بهبود وضعیت اقتصادی ناشی از دریافت وام؛
- ۲- بررسی رابطه میان سن زنان سرپرست خانوار و بهبود وضعیت اقتصادی پس از دریافت وام؛
- ۳- بررسی رابطه میان تحصیلات زنان سرپرست خانوار و بهبود وضعیت اقتصادی؛
- ۴- بررسی رابطه میان به‌کارگیری اعتبارات دریافتی در فعالیتهای تولیدی و بهبود وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار؛ و
- ۵- بررسی رابطه میان منابع تأمین معاش زنان سرپرست خانوار، قبل از پیوستن به طرح «حضرت زینب کبری (س)»، و انتخاب نوع فعالیت از طرف زنان سرپرست خانوار.

نتایج تحقیق

بر اساس آمار و اطلاعات، مشخص شد که زنان سرپرست خانواری که اعتبارات دریافتی را صرف فعالیت تولیدی کرده‌اند، در مقایسه با زنانی که این تسهیلات را در موارد مصرفی به‌کار گرفته‌اند، کمتر بوده است. متأسفانه میانگین مقدار وام نیز در این گروه نسبت به گروهی که اعتبارات را صرف موارد مصرفی کرده‌اند، کمتر است. شایان ذکر است که از بین ۷۲ نفر زن سرپرست خانوار، ۱۵ نفر نحوه مصرف وام خود را اظهار نکردند.

جدول ۳- فراوانی نوع مصرف وام زنان سرپرست خانوار، میانگین، انحراف استاندارد و انحراف استاندارد میانگین آزمون t (آمار گروهی)

انحراف استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	نوع مصرف	
۱۶۶۴۸/۴۰	۱۰۱۲۶۸/۲۳	۴۴۰۵۴/۵۴	۳۷	مصرفی	میزان وام
۳۴۳۱۱/۸۴	۱۵۳۴۴۷/۲۳	۳۰۲۵۰۰۰۰	۲۰	تولیدی	

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که آزمون t مستقل بر اساس دو فرض واریانس‌های برابر و نابرابر به دو روش مختلف انجام می‌شود، ابتدا برابری واریانس‌ها با آزمون F (آزمون لون^(۱۴)) بررسی می‌شود.

جدول ۴- آزمون لون و t (آزمون نمونه‌های مستقل)

آزمون t برابری میانگین دو جامعه مستقل						آزمون لون در برابری واریانس‌ها		واریانس‌ها	
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاضل		انحراف معیار تفاضل	تفاضل میانگین	-P مقدار	درجه آزادی	t	-P مقدار		
حد پایین	حد بالا								
۷۰۲۶۹/۷۱	۲۰۵۸۱۱/۳۷	۳۳۸۱۷/۰۲	۱۳۸۰۴/۵۴	۰۰۰	۵۵	۴/۰۸۴	۰/۰۰۱	۱۲/۲۴۹	برابر
۵۹۹۴۱/۲۱	۲۱۶۱۳۹/۸۷	۳۸۱۳۷/۵۴	۱۳۸۰۴/۵۴	۰/۰۰۱	۲۸/۱۷۵	۳/۶۲۰			نابرابر

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که در این آزمون: $-P = ۰/۰۰۱$ مقدار، و چون $۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$ ، برابری واریانس‌ها قابل پذیرش نیست؛ بنابراین، فرض H_0 (نشان‌دهنده برابری واریانس‌ها) مردود و فرض H_1 پذیرفته می‌شود؛ و آزمون t مستقل بر اساس فرض عدم برابری واریانس‌ها انجام می‌گیرد. با توجه به جدول ۴، مقدار آماره t برابر با $۳/۶۲$ است که $-P$

در روستاهای زیر پوشش طرح «حضرت زینب کبری(س)» در شهرستان بویین‌زهرا، زنان واجد شرایط دریافت اعتبارات، در فاصله زمانی ۸۳-۱۳۷۹، بین سنین ۲۰ تا ۹۰ سال بودند؛ که اگر زنان بین سنین ۲۰ تا حداکثر ۶۰ سال را در یک گروه و زنان بالاتر از ۶۰ سال را در گروه دیگر قرار دهیم (جدول ۵)، با انجام آزمون کی-۲، مشخص می‌شود که تغییرات سن بر نوع مصرف وام تأثیر ندارد.

جدول ۵- نوع مصرف وام، تعداد و سن زنان سرپرست خانوار (بر اساس آزمون کی-۲)

کل	بالاتر از ۶۰ سال	۲۰ تا حداکثر ۶۰ سال	تعداد و سن زنان
			نوع مصرف
۲۱	۹	۱۲	تولیدی
۴۲	۲۱	۲۱	مصرفی

منبع: یافته‌های تحقیق

شایان ذکر است که از بین ۷۲ نفر زن سرپرست خانوار روستایی، ۹ نفر سن خود را اظهار نکردند.

در بررسی اثر تحصیلات بر نوع مصرف وام نیز باید گفت که میزان تحصیلات زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه، در دوره زمانی ۸۳-۱۳۷۹، در چهار گروه بی‌سواد، دارای سواد قرآنی، در حد دبستان، و در حد راهنمایی قرار می‌گرفت، که می‌توان آن را در دو گروه کلی باسواد و بی‌سواد دسته‌بندی کرد (جدول ۶). طبق آزمونی مشابه، مشخص شد که باسواد یا بی‌سواد بودن زنان سرپرست خانوار نیز بر مصرفی بودن یا

جدول ۶- اثر تحصیلات بر نوع مصرف وام زنان سرپرست خانوار

کل	بی سواد	با سواد	تعداد و میزان تحصیلات زنان
			نوع مصرف
۲۱	۵	۱۶	تولیدی
۴۰	۵	۳۵	مصرفی

منبع: یافته‌های تحقیق

در بررسی تأثیر تعداد افراد تحت تکفل زنان سرپرست خانوار بر نوع فعالیت، زنانی که ۳ یا کمتر از ۳ نفر تحت تکفل داشته‌اند در یک گروه و زنانی که بیش از ۳ نفر تحت تکفل دارند در گروه دیگر قرار می‌گیرد (جدول ۷). طبق آزمون مشابه (کی-۲) مشخص شده است تعداد افراد تحت تکفل بر مصرفی یا تولیدی بودن فعالیت، اثر مثبت دارد یعنی با بیشتر شدن تعداد افراد تحت تکفل، زنان به مقدار بیشتری به انجام فعالیت‌های تولیدی مبادرت ورزیده‌اند. شایان ذکر است که از بین ۷۲ نفر زن سرپرست خانوار، ۲۱ نفر، تعداد افراد تحت تکفل خود را اظهار نکردند.

جدول ۷- اثر تعداد افراد تحت تکفل بر نوع مصرف وام

کل وام‌گیرندگان	بیش از ۳ نفر	۳ نفر یا کمتر	تعداد افراد تحت تکفل
			نوع مصرف وام
۱۴	۵	۹	تولیدی
۲۷	۵	۳۲	مصرفی

منبع: یافته‌های تحقیق

در بخش کیفی تحقیق، مصاحبه‌هایی با زنان سرپرست خانوار زیر پوشش طرح در روستاهای شهرستان بویین‌زهرا صورت گرفت. این زنان، پیش از پیوستن بدین طرح، منابع تأمین معاش گوناگون داشتند که از آن میان، می‌توان به درآمدهای حاصل از خوداشتغالی، مستمری طرح «شهید رجایی» برای زنان بالاتر از ۶۰ سال، زمین زراعی، و یا تلفیقی از این موارد اشاره کرد.

مشاهدات حاکی از آن است که با توجه به نحوه تأمین معاش و وضعیت و امکانات اقتصادی قبل از پیوستن زنان به طرح (اعم از زمین، دام، اصطبل، تعداد شاغلان در خانوار، و...)، تصمیمات آنها در زمینه نحوه مصرف تسهیلات دریافتی متفاوت بوده است. آن دسته از زنان که از وضعیتی مناسب‌تر (به لحاظ اقتصادی) برخوردار بودند، توانسته‌اند اعتبارات دریافتی خود را در موارد تولیدی مصرف کنند و با تسویه اقساط وام‌های خود، در طول سال‌های مورد بررسی تسهیلات مجدد دریافت کرده‌اند؛ که از ۷۲ زن مورد بررسی، ۹ نفر چنین موفقیتی داشته‌اند. این زنان، با برخورداری از دام و محل نگهداری آن، زمین زراعی، فرزندان در سن کار و فعالیت، و یا با کمک مادی فرزندان شاغل در شهرهای بزرگ، توانسته‌اند این تسهیلات را برای بهبود وضعیت اقتصادی به کار گیرند؛ و مثلاً با خرید علوفه از محل این تسهیلات، فعالیت تولیدی خود را رونق بخشیده‌اند. اما زنانی که فاقد این امکانات بودند، به دلیل ناکافی بودن میزان تسهیلات (۵۰۰/۰۰۰ تومان)، نتوانسته‌اند به فعالیت تولیدی بپردازند؛ و مهم‌تر آنکه به دلیل وجود نیازهای ضروری و اولیة برآورده نشده (اعم از خرید تجهیزات برای دختران، مخارج درمان اعضای خانواده، تأمین مخارج ازدواج پسران، و یا تعمیر منازل مسکونی، و...)، مبالغ تسهیلات دریافتی را در این‌گونه موارد هزینه کرده و حتی در تسویه اقساط به معضلی دیگر دچار شده‌اند؛ و به تبع آن، بانک تمایلی به پرداخت وام‌های مجدد به آنها ندارد، چراکه وام به‌منزله بدهی است و نمی‌توان بانک را مؤسسه خیریه دانست. به نظر می‌رسد که در بعضی موارد، این تسهیلات، به‌جای اشتغال‌زایی، بیشتر جنبه حمایتی به خود گرفته است. لازم به ذکر است که نظارت بر نحوه مصرف

بانک، در آغاز کار برای شناسایی زنان واجد شرایط دریافت وام، تنها عدم‌بدهکاری و توانایی بازپرداخت تسهیلات دریافتی را در نظر می‌گیرد؛ و به‌صرف بازپرداخت اقساط وام‌های دریافتی، تسهیلات مجدد در اختیار زنان وام‌گیرنده قرار می‌دهد، حال آنکه ممکن است این تسهیلات در تولید به‌کار نرود. با توجه بدین نکات، به‌نظر می‌رسد فقیرترین فقرا، که حتی نیازهای اولیه آنها برآورده نشده است، در زمره واجدان شرایط دریافت وام قرار نمی‌گیرند؛ ولی زنان سرپرست خانواری که از وضعیت اقتصادی مناسب‌تری برخوردارند و می‌توانند اقساط خود را تسویه کنند، واجد شرایط دریافت تسهیلات شناخته می‌شوند؛ که این روند با رسالت اصلی پرداخت اعتبارات کوچک به فقیرترین فقرا مغایرت دارد.

با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده، در پژوهش حاضر، تلفیقی از بعضی مؤلفه‌های موجود در دیدگاه دولت‌گرا و پارادایم خودپایداری مالی (که با بافت روستاهای ایران همخوانی دارد) در حکم چارچوب مفهومی مورد نظر برگزیده شده است. با این همه، یکی از اصول اساسی دیدگاه دولت‌گرا، که اعتقادی به پس‌انداز روستاییان ندارد، چندان مورد غفلت قرار نگرفته است؛ زیرا در روستاهای ایران، با توجه به شرایط اقتصادی، همواره روستاییان برای روزهای سخت خود مقداری پس‌انداز به‌صورت پول، دام، طلا، و... ذخیره می‌کنند. از این‌رو، چنان که ملاحظه می‌شود، چارچوب مفهومی این تحقیق دقیقاً بر دیدگاه مطرح‌شده منطبق نیست؛ البته گفتنی است که از بسیاری جهات نیز از رهگذر همین دیدگاه قابل پشتیبانی است، چرا که گرچه دولت با پرداخت تسهیلات به متقاضیان به اعطای وام می‌پردازد اما هرگز بانک به‌صورت سازمان‌خیزه عمل نمی‌کند، به‌گونه‌ای که به‌گزینش واجدان شرایط دریافت وام می‌پردازد تا از بازپرداخت وام‌های زنان سرپرست خانوار مطمئن شود؛ از این‌رو، افرادی که از توانایی فعالیت برخوردارند اما به دلیل فقدان امکانات قبلی، عدم وجود ضامن معتبر و یا، در پاره‌ای موارد، بدهی،

نتیجه گیری

برخلاف اهداف بیان شده در طرح «حضرت زینب کبری (س)» مبنی بر فراهم سازی فرصت های شغلی به منظور ایجاد درآمد و نیز توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار، این تسهیلات بیشتر جنبه حمایتی به خود گرفته است و لزوماً منجر به فعالیت مولد نمی شود؛ و از این رو، بیشتر تقویت کننده بوده است تا توانمندکننده. از آنجا که میزان مبلغ تسهیلات بر نوع مصرف آن تأثیر دارد، به نظر می رسد با این مبالغ کوچک که حتی برای خرید یک رأس گاو شیری هم مناسب نیست، نمی توان به افراد فاقد هر گونه امکانات اقتصادی برای ایجاد فعالیت تولیدی کمک کرد و ناگزیر این تسهیلات به مجراهای مصرفی کشیده می شوند. همچنین، صرفاً با پرداخت مبالغی به زنان سرپرست خانوار، نمی توان در توانمندسازی آنها چندان موفق بود بلکه نقطه آغازین توانمندسازی همانا آموزش است؛ و تا زمانی که زنان به مراحل گوناگون فعالیت آگاهی نداشته باشند و مهم تر از آن، انگیزه تولید در آنها ایجاد نشود، پرداخت این گونه مبالغ ثمربخش نخواهد بود؛ زیرا در بعضی موارد، فرهنگ ارزشمند کار کردن نیز دستخوش تحولاتی شده، بیشتر همین زنان هم (مانند دیگران) تمنای کمک های حمایتی از دولت را دارند و حتی تغییرات سن و تحصیلات نیز بر این طرز تفکر تأثیر ندارد، به گونه ای که اغلب زنان جوان و در سن کار و تلاش و زنان با سوادتر به استفاده از وام ها در موارد تولیدی گرایشی نداشته اند.

مشکلات و نارسایی ها

۱- نحوه دسترسی زنان سرپرست خانوار: زنانی قادر به دریافت تسهیلات می شوند که ضامنی معتبر (مانند کمیته امداد امام خمینی) آنها را برای بازپرداخت وام ها

- ۲- تنگناهای فرهنگی و اجتماعی: امروزه در بسیاری موارد، متأسفانه فرهنگ درخواست بی‌رویه از دولت بسیارگسترش یافته است و افراد فقیر بیشتر تمایل به دریافت وام‌های حمایتی دارند تا تولیدی. بنابراین، در چنین شرایطی، این‌گونه وام‌ها منجر به فعالیت تولیدی نمی‌شوند و در موارد مصرفی به کار می‌روند.
- ۳- دیوان‌سالاری پیچیده که زنان سرپرست خانوار را سردرگم می‌کند: زنان برای دریافت وام ناگزیرند مدت‌ها در انتظار باشند و مدارکی گوناگون را آماده کنند، که آنها را به‌ستوه می‌آورد.
- ۴- عدم تناسب وام پرداختی با هزینه‌های انجام فعالیت: این مسئله نیز به بی‌توجهی زنان نسبت به فعالیت‌های تولیدی انجامیده است.
- ۵- عدم توجه به وضعیت و شرایط زنان سرپرست خانوار: بعضی از زنان سرپرست خانوار متحمل مخارجی می‌شوند (مانند تأمین جهیزیه دختران، هزینه درمان خود و اعضای خانواده، و...)، که قبل از ترغیب آنها به کارهای تولیدی، باید بدین موارد توجه شود.
- ۶- عدم آموزش زنان سرپرست خانوار در مورد فعالیت مورد نظر: هر چند، آموزش زنان سرپرست خانوار در زمینه فعالیت‌های مورد نظر از مهم‌ترین اصول توانمندسازی آنها به‌شمار می‌رود، اما بدین مهم چندان توجه نشده است.

پیشنهادها

در پایان، برای بهبود عملکرد طرح «حضرت زینب کبری (س)» چند پیشنهاد به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- در زمینه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، یک دیدگاه کل نگر و یکپارچه لازم است، چرا که تأمین اعتبارات خرد برای اطمینان از موفقیت کسب و کارهای کوچک روستایی لازم است اما کافی نیست؛ بلکه زیرساخت‌های کافی، کارآفرینان ماهر، دسترسی به اطلاعات و فرهنگ راهنمای کسب و کارهای کوچک، آموزش حرفه‌ای، کمک به تأمین وسایل مورد نیاز، و پشتیبانی‌های حداقل کوتاه مدت، از جمله زمینه‌های لازم برای دستیابی بدین هدف به شمار می‌روند؛
- ۲- قبل از ترغیب زنان سرپرست خانوار روستایی به انجام فعالیت‌های تولیدی، باید به نیازهای ضروری و اولیه آنها پاسخ داد، چون «اول بودن» و سپس، «بہتر بودن» مطرح است؛
- ۳- پرداخت تسهیلات در چارچوب ساختارهای تعاونی و اتحادیه، با کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری سرمایه، در این راه نیز مؤثر خواهد بود؛
- ۴- ترغیب روستاییان به پس‌انداز بیشتر؛
- ۵- شناسایی دقیق مخاطب از نظر داشتن مهارت و توان کار تولیدی؛
- ۶- پرداخت اعتبار متناسب با فعالیت تولیدی و نیاز داوطلب؛
- ۷- ایجاد انگیزه تولید در مخاطبان و رعایت حال آنها با توجه به شرایط مالی؛
- ۸- آموزش عمومی متقاضیان در زمینه طرح؛
- ۹- تضمین اعتبارات از سوی نهاد معرفی‌کننده؛
- ۱۰- حذف فرآیندهای اضافی در پرداخت تسهیلات و جلوگیری از انجام اموری که به افزایش هزینه‌های متقاضی (هزینه معاملاتی) منجر می‌شوند؛ مانند تهیه مدارک غیرضروری، و مراجعه مکرر به بانک؛ و

۱۱- بهره‌گیری بانک کشاورزی از کارشناسانی که از روابطه عمومی قوی‌تری برخوردار بوده، آموزش‌های لازم را در این زمینه دیده باشند.

یادداشت‌ها

1. Bhaduri
2. Rao
3. Bardhan
4. Ghate
5. efficiency
6. social equity
7. Muniraj
8. financial self-sustainability
9. poverty alleviation
10. Feminist Empowerment Paradigm
11. Mayoux
12. Rost
13. Latifée
14. Levene

منابع

- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۴)، نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- بانک کشاورزی (۱۳۸۲)، «اهداف اجرای طرح حضرت زینب کبری (س)». قابل دسترسی در: www.agri_bank.com
- بخشوده، محمد و سلامی، حبیب‌الله (۱۳۸۴)، نقش بانک کشاورزی در کاهش فقر با تأکید بر اعتبارات خرد، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جانسون، سوزان و روگالی، بن (۱۳۸۳)، تأمین مالی خرد و کاهش فقر، ترجمه پیروز ایزدی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- دیهم، حمید و وهابی، معصومه (۱۳۸۲)، «دستیابی زنان به اعتبارات نظام بانکی»، پژوهش زنان. دوره ۱، سال ۱، ش ۷، پاییز، صص ۶۱-۸۷.
- سلطان‌محمدی، محمد (۱۳۸۳)، آشنایی با خدمات متنوع بانک کشاورزی، ویرایش سوم. تهران: بانک کشاورزی.

- صندوق پس انداز زنان بانک کشاورزی (۱۳۸۴)، *گزارش عملکرد ده ساله طرح حضرت زینب کبری (س)*. تهران: بانک کشاورزی.
- عرب‌مازار، عباس و سعدی، حشمت‌الله (۱۳۸۳)، «بانک کشاورزی و حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار روستایی، نگاهی به طرح حضرت زینب کبری (س)». *فصلنامه پژوهشی*، ش ۴.
- کمیته امداد امام خمینی (۱۳۸۳)، *گزارش آماری*. قزوین: کمیته امداد امام خمینی (ره) استان قزوین.
- معظمی، میترا (۱۳۷۷)، *بررسی مبانی نظری و تجربی اعتبارات روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- نوری نایینی، محمد سعید (۱۳۸۴)، «اهداف هزاره». *مجموعه مقالات اعتبارات خرد، توسعه روستایی، و فقر*. تهران: مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی.
- Adams, D. and Von Pischke, J. D. (1992), "Microcenter price credit programs: déjàvu. *World Development*. 20 (10): 1463-1470.
- Mayoux, Linda (1999), "Questioning virtuous spirals: micro-finance and women's empowerment in Africa". *Journal of International Development*. 11: 957-984.